



## نگارگری دیوان حافظ بر مبنای مکتب تبریز

محمد حسن سمسار

استاد دانشگاه تهران

و مدیر بخش هنر و معماری

دایرة المعارف بزرگ اسلامی

بسیار اندک‌اند ایرانیانی که ابیاتی از سروده‌های حافظ را به خاطر نداشته باشند و در جای جای گفت‌وگوهای روزمره، از آن بهره‌گیرند. این نشانی است از تأثیر پایدار حافظ بر نسلهای پس از او، که از روزگار وی آغاز شده است و در سده‌های بعد نیز جاری بوده و هست، تأثیری که عارف و عامی را دربر گرفته است.

بازتاب کلام آسمانی و اندیشه انسانی حافظ بر فرهنگ و هنر پارسی‌زبانان، در میان سخن‌سرایان ایران بی‌همتا است. اندیشه و شعر والای او که بر دلها و جانها نشسته است، به دست هنرمندان به صورت خط و نقش جلوه‌گر شده، و چون شعرش جاودانه مانده است. سروده‌های «حافظ خوش‌کلام» دستمایه هنرمندانی چون نگارگران، خوش‌نویسان، بافندگان قالی، فلزکاران و هنرمندان دیگر شده است.

غزلهای ناب حافظ الهام‌بخش نگارگران برای تبدیل زبان شعر به تصویر شده است؛ اگر چه غزلهای عارفانه او همانند داستانهای حماسی فردوسی یا مجموعه‌های عاشقانه نظامی مناسب تصویرگری و نقش‌پردازی نیستند و به تصویر کشیدن آثار دو شاعر یاد شده به سبب تصویری بودن موضوع و پیشینه شناخت داستانها، برای نگارگران آسان‌تر بوده است.

در مورد غزلهای حافظ به سبب پیچیدگیهای کلامی و موضوعی و همراه بودن با استعارات و اشارات و ایهام ذهنی تصویرسازی میسر نیست (آرنولد، ۱۹۰۵-۱۹۰۷)؛ از همین روی تعداد



دکتر محمدحسن سمسار

دیوانهای مصور حافظ به نسبت نسخه‌های غیر مصور کم‌شمارند.

در نسخه‌های شناخته شده، یک یا چند بیت از غزلی، یا حتی یک مصرع از بیتی، موضوع نگاره قرار گرفته است. نمونه مشخص آن در نگاره بازی چوگان — که در بیشتر نسخه‌ها به تصویر کشیده شده — به چشم می‌خورد. این نگاره‌ها، بازی چوگان را در یک مصرع از غزل «خسروا گوی فلک در خم چوگان تو باد/...» (چ قزوینی، غزل ۱۰۸)، یا یک مصرع از غزل «.../ گفت آن می‌کشم اندر خم چوگان که مپرس» (همان چ، غزل ۲۷۱)؛ و یا بیت «خنک چوگانی چرخ رام شد در زیر زین / شهسوارا چون به میدان آمدی گویی بزن» (همان چ، غزل ۳۹۰) مصور کردند (نک: بینین، لوحه XXXIII؛ ریشار، ۲۰۰؛ اسچوکین، لوحه XVIII؛ آتابای، فهرست دیوانها ...، تصویر روبه‌روی ۳۹۶/۱؛ نک: تصویر ۱).

نگارگران موضوعهایی مانند مجلس بزم، ملاقات دو دلداد، توصیف بهار، میکده و مجلس وعظ را در به تصویر کشیدن اشعار حافظ بیشتر به کار برده‌اند و تنها در مواردی که تخیل و خلاقیت تصویرپردازی داشته‌اند، موفق به مصور کردن چند بیت از یک غزل شده‌اند. نمونه موفق از این دست، نسخه دیوان حافظ است که به نسخه سام میرزا معروف است و پیش‌تر در مجموعه کارتیه و سپس در مجموعه کری ولش نگهداری می‌شد و اکنون میان موزه هنری فاگ، دانشگاه هاروارد، موزه هنر متروپولیتن، و موزه جدید هنر اسلامی در قطر تقسیم شده است. این نسخه به احتمال زیاد در حدود سال ۹۴۰/۱۵۳۳م برای سام میرزا کتابت و مصور شده است (بینین، ۱۲۸؛ کونل، ۱۸۷۲؛ گری، ۱۳۰؛ بری، ۲۱۱-۲۲۶). نسخه در اصل دارای ۵ نگاره بوده است، شامل بازی چوگان، بزم، عیدفطر، مجلس وعظ، و سرای پیر مغان. امروزه محل نگهداری ۴ نگاره معلوم، و یک نگاره (بازی چوگان) نامعلوم است (بینین، همانجا؛ ولش، «نگارگری ...»، ۶۳-۶۹).

### نگاره شماره ۱:

بر پایه غزل «خسروا گوی فلک در خم چوگان تو باد» (همان چ، غزل ۱۰۸) است که کونل (ص ۱۸۷۳) و اسچوکین (ص ۶۰) آن را کار شیخ‌زاده می‌دانند. نگاره به دو بخش تقسیم شده است: بخش زیرین، میدان بازی را با ۶ سوار در حال بازی، و عده‌ای را در پایین صحنه مشغول به تماشا نشان



◀ نگاره شماره ۲



◀ نگاره شماره ۱

می دهد؛ در بخش بالا — در میان دامنه تپه های پوشیده از گل و سبزه — شاه یا شاهزاده ای سوار بر اسب ابلق — که خود و اسبش نسبتاً بزرگ تر از دیگران کشیده شده — به تماشا ایستاده است. در مقابل او دو خدمتکار در حال پذیرایی، و سواری چوب چوگان در دست ترسیم شده است و نیم تنه ۴ نفر در پشت تپه ها دیده می شود (بینین، همانجا، نیز لوحه LXXXIII؛ نیز نک: تصویر ۱).

### نگاره شماره ۲:

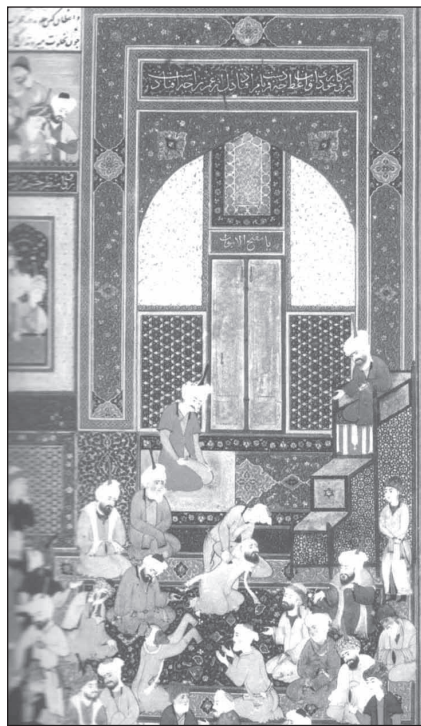
این نگاره بر پایه غزل «گل بی رخ یار خوش نباشد / ...» (همان چ، غزل ۱۶۳) به تصویر کشیده شده است (نک: تصویر ۲). این تصویر در شمار نگاره هایی که در مصورسازی موضوع بهار و گل و صحنه های بزم که در بسیاری از دیوانهای مصور حافظ متداول بوده، قرار می گیرد. نگاره بدون رقم نقاش است، اما مارتین آن را به میرک (۶۴/۱)، ساکیسیان به سلطان محمد (ص ۱۱۳)، و کونل به شیخزاده (ص ۱۸۷۲-۱۸۷۳) منسوب کرده اند.

### نگاره شماره ۳:

نگاره ای از مجلس وعظ که شیخزاده، نگارگر نامدار ایرانی بر پایه غزل مشهور «واعظان کین [کاین] جلوه در محراب و منبر می کنند / ...» (همان چ، غزل ۱۹۹) کشیده است (نک: تصویر ۳). نگاره ایوان اصلی مسجدی پرآزین با کاشی کاری معرق را نشان می دهد که واعظی بر بالای منبر ۳ پله خاتم کاری شده، نشسته است و با چهره ای دژم مخاطبان را به توبه فرا می خواند. مخاطبین بسیاری، افزون بر درون ایوان اصلی، بر پشت بام رواق کناری مسجد نیز گرد آمده اند و به سخنان او



◀ نگاره شماره ۴



◀ نگاره شماره ۳

گوش می‌دهند. نگارگر با توانایی بسیار بازتاب سخنان بیم‌دهنده او را بر چهره و در حرکت دستها و بدن شنوندگان نمایانده است؛ در میان آنها مردی وحشت‌زده گریبان چاک می‌دهد، گناهکاری «سبه رو» دستهای پوشیده در آستین را برای یاری جستن به سوی واعظ دراز کرده است، جوانی انگشت تحیر به دندان گرفته، و دیگری دو دست بر چهره نهاده است و می‌گرید.

هنرمند توانسته است با چیره‌دستی، هراس ناشی از گفتار واعظ را در شنونده‌های مجلس او به تصویر درآورد. کاربرد بیشتر رنگهای تیره و سرد، بر فضای سنگین حاکم بر تصویر می‌افزاید. بیت دوم همان غزل یادشده نیز از دیدگاه نگارگر دور نمانده که: «مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پُرس / توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند»، و دانشمند مجلس را در چهره مردی که در پای منبر روبه‌روی واعظ بر قالیچه‌ای نشسته، ترسیم کرده است. این اثر شیخ‌زاده گرچه نمایانگر چندین بیت غزل از حافظ نیست، اما نگاره و نگارگر آن را

در شمار اندک هنرمندانی قرار می‌دهد که در به تصویر کشیدن غزلهای حافظ، موفق بوده‌اند. در این نگاره، دو کتیبه نیز بر پیشانی ایوان مسجد و رواق کوچک کنار آن، شامل «برو به کار خود ای واعظ این چه فریاد ست / مرا فتاد دل از کف [ره] تو را چه افتاد ست» (همان چ، غزل ۳۵) و نیز «مصرع [رواق منظر چشم من آشیانه تو ست» (همان چ، غزل ۳۴) دیده می‌شود.

#### نگاره شماره ۴:

در این نسخه بی‌مانند، سلطان محمد نگارگر نامدار به نقش‌آفرینی غزل «عید است و موسم گل

و یاران در انتظار / ساقی به روی شاه ببین ماه و می بیار» (قس: همان چ، غزل ۲۴۶، بیت ۱، «آخر» جای «موسم») پرداخته است. حافظ در این غزل عید فطر را در نظر داشته، که سلطان محمد در این نگاره سام میرزا را در جشن این عید تصویر کرده است (نک: تصویر ۴). در کتیبه بالای سردر کوشکی که سام میرزا در ایوان آن بر تختی زرین نشسته، نام او «الهادی [قاضی] ابوالمظفر سام میرزا»، و دو بیت اول و پنجم همان غزل: «خوش دولتی است خرم و خوش خسروی کریم / یا رب ز چشم زخم زمانش نگاهدار» در کتیبه رخبام همین بنا نقش بسته است. این نگاره نشان می دهد که این نسخه برای سام میرزا نوشته شده است.

بر بام کوشک میان باغ، گروهی ایستاده اند و با «رؤیت هلال ماه شوال» در حالی که جوانی با انگشت اشاره ماه نو را نشان می دهد، دیگران شادمانه دست به دعا برداشته اند. سام میرزا در میانه نگاره از دست ساقی جوانی — که دستار پرداز او نشان از وابستگی او به خاندان شاهی دارد — جامی زرین می گیرد. در دو سوی تخت او شاهزادگان و امیران صفوی نشسته، و سلاح داران شاهزاده پشت سر او ایستاده اند. در پیشگاه تخت وی جمعی از همراهان شاهزاده و نوازندگان، جشن عید را به شادمانی برگزار می کنند. بلبله های زرین بر میز کوچک پیش تخت، و در جای جای مجلس، شمع کافوری بلند در شمعدان زرین، نیز خدمتکارانی که سینیهای غذا و میوه را از درون کوشک به مجلس می آورند، در بخش پایین نگاره دیده می شوند. چهره های شادمان مردان به تصویر کشیده شده، آسمان آبی با لکه های باریک ابر، و چهره زن جوانی که از دریچه اشکوب دوم کوشک مراسم پرشکوه واپسین افطار ماه رمضان را تماشاگر است، قلم توانای نگارگر در نمایش شادمانی نهفته در غزل ناب حافظ را نشان می دهد. زمینه پر از گلهای رنگارنگ بخش زیرین نگاره و تکرار و توالی رنگهای سبز، زرد، قرمز و آبی لباسها بر دوردور نیمه پایین نگاره بر فضای شادمانه عید می افزاید. دست مایه ای چون غزل حافظ و توانایی قلمی چون قلم سلطان محمد در پدید آوردن اثر هنری چون این نگاره بی هیچ دودلی تکرارناشدنی است.

### نگاره شماره ۵:

از میان نگارگران ایرانی تنها سلطان محمد تبریزی است که به سبب آشنایی با ادبیات فارسی، به ویژه با غزلیات شیرین و پر رمز و راز حافظ، با به تصویر کشیدن این نگاره از شعر او، «گوی توفیق» از دیگران ربوده است.

سلطان محمد در گزینش غزلهای مناسب برای نقش پردازی به بهترین انتخاب دست زده است، انتخاب غزل «در سرای مغان رفته بود و آب زده / نشست پیر و صلابی به شیخ و شاب زده» (همان چ، غزل ۴۲۱؛ نک: تصویر ۵). او سرای پیر مغان را به صورت کوشکی دو اشکوبه و زیبا با نرده ای سرخ رنگ که سرا را از باغی پردرخت جدا می کند، به تصویر کشیده که بر صفه ای از مرمر سفید پاک تراش بنا شده است. وی بدنه کوشک را نیز با کاشی کاری رنگینی که طرحهای هندسی دارد، آراسته است. بر رخبام کوشک، ۳ ردیف پهن و باریک کاشی معرق زیبا با نقش گل و برگ ریز، بر بوم لاجوردی دیده می شود. پیر نشسته در شاه نشین اشکوبه دوم، با کتابی در دست و صراحی و جامی در پیش رو، پیر و جوان را به نوشیدن فرا می خواند.

حافظ در بیتهای بعدی همان غزل از ساکنین سرای مغان سخن گفته است: «سبوکشان همه در بندگیش بسته کمر / ولی ز ترک کله چتر بر سحاب زده». نگارگر در پیشگاه کوشک گروهی از





نگاره شماره ۵

سبوكشان پير و جوان را در حالات گوناگون به تصوير كشيده كه به گفته حافظ به «بندگی پير» كمر بسته‌اند. حافظ سومين بيت غزل خود را چنين سروده است: «شعاع جام و قدح نور ماه پوشيده / عذار مغبچگان راه آفتاب زده»، كه به تعبير او «پرتو می» نور ماه را پوشانده، و چهره زیبای مغبچگان راه خورشید را بسته است. مغبچگانی در غرفه روبه‌روی پير به خدمت ايستاده‌اند و خدمتکاری، در غرفه روبه‌روی پير با به هم بستن دستارهای رنگی، در حال بالا كشیدن تنگ چيني آبی سفیدی است كه خدمتكار ديگر به سر ديگر آن بسته است.

نگارگر در اين نگاره با چيره‌دستی بيت «گرفته ساغر عشرت فرشته رحمت / ز جرعه بر رخ حور و پری گلاب‌زده» از همان غزل را به نقش كشيده است. «فرشته رحمت» در ميان فرشتگان ديگر قدحی در دست و گلاب‌پاشی در پيش رو دارد. سلطان‌محمد در پايين صحنه بيت ششم غزل را مصور کرده است: «ز شور و عربه شاهدان شيرين كار / شكر شكسته سمن ريخته رباب زده»، و در آن پير و جوان را در حال پايدوبی، سرمستی و خواب‌زدگی، نيز نوازندگانی را با چهره‌های متفاوت از ديگران نمايانده است. ابیات بعدی غزل، سلام گفتن حافظ و پاسخ عتاب‌آمیز پيرمغان به او ست. امكان تصوير گری گفت‌وشنود عتاب‌آمیز پير در تركيب‌بندی اين نگاره وجود نداشته است و افزون بر آن نمايش گفت و شنود در نگارگری به‌طوركلي میسر نیست.